

مسکن و محیط‌ت

شماره ۱۳۱ ♦ پاییز ۸۹

توسعه صنایع دستی و فناوری متوسط با هدف گسترش توریسم و

اشتغال پایدار روستایی

فرهود گل محمدی*

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۹/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۹/۰۵/۲۴

چکیده

اولویت بخشی به توسعه روستایی به عنوان یکی از اصول اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی شناخته شده است. با توجه به برآوردهایی که صورت گرفته است به دلیل شرایط خاص اقلیمی کشور ایران و به ویژه کم آبی و خشکسالی های متعدد در سالیان اخیر - اساس دستیابی به این توسعه نمی تواند فقط بر توسعه بخش کشاورزی در روستاهای ایران بنا نهاده شود. تجارب کشورهای موفق جهان در امر توسعه روستایی مانند کشورهای چین و هندوستان، نشان دهنده اهمیت فراوانی است که صنعتی کردن روستا در ایجاد فرصت های شغلی و در آمدزایی و در نهایت جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها و پیامدهای منفی آن در کل کشور دارد. در این مقاله به بررسی و شناخت مهم ترین عملکرد توسعه روستایی می پردازیم که شامل توسعه گردشگری و گسترش صنایع دستی و کوچک و انتقال تکنولوژی های مناسب در جوامع کشاورزی و روستایی هستند. بنابراین، پس از بیان نیاز مطلق برای توسعه و تعریف جامع مفهوم توسعه و عناصر ضروری آن، به ویژه مفهوم و اهمیت «کار»، تعریف توسعه اقتصادی و اختلاف آن با رشد اقتصادی، اهمیت ایجاد فرصت های کاری در این کشورها و نقش صنایع کوچک روستایی در این فرایند، گردشگری و توسعه روستایی، بیان تکنولوژی های مناسب برای نواحی روستایی کشورهای جهان سوم، دلایل توجه و رویکرد به صنایع کوچک و تکنولوژی متوسط در کشورهای در حال توسعه، دلایل توجه به دانش و فناوری بومی در فرایند توسعه روستایی، اهمیت ترویج تکنولوژی مناسب و مبانی اشاعه آن در فرایند توسعه روستایی، بیان تجارب چند کشور در این زمینه، و در نهایت به بیان نقش توسعه تکنولوژی های متوسط و صنایع کوچک در روستاها در توسعه فعالیت های اقتصادی و نقش گردشگری در توسعه روستایی و بیان مزایا و محدودیت های آن می پردازد. در انتها به نتیجه گیری از این موارد در شرایط ایران و سایر کشورهای در حال توسعه می پردازد.

واژگان کلیدی: تکنولوژی، اقتصاد، اشتغال، توریسم، روستا و ایران.

* دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.

- این مقاله قسمتی از طرح پژوهشی با عنوان "بررسی نقش تعاونی ها در کارآفرینی و توسعه کشاورزی در شرایط جهانی شدن اقتصاد (مطالعه موردی: استان خراسان جنوبی)" است که توسط نگارنده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند در حال اجراست.

مقدمه

در ایران، گردشگری بیشتر متأثر از گردشگری داخلی است که خود به گردشگری روستایی وابسته است. به همین دلیل، به منظور ایفای نقش مثبت گردشگری در فرایند توسعه روستایی، لازم است تا مدیریت محیط زیست، مشارکت مردم محلی، قوانین صریح و محکم، بازاریابی و برنامه‌ریزی واقع بینانه و سیستمی در زمینه گردشگری روستایی مورد توجه قرار گیرد. طبق تعریف سازمان جهانی جهانگردی، گردشگری عبارت است از مجموعه کارهایی که فرد در مسافرت و در مکان‌هایی خارج از محیط عادی زندگی انجام می‌دهد. این مسافرت بیش از یکسال به طول نمی‌انجامد و هدف تفریح، تجارت یا فعالیت‌های دیگر غیر اشتغالی است. جهانگردی پول و جمعیت را از مراکز تمرکز و ثقل صنعتی به سوی روستاها و نقاط طبیعی با جاذبه‌های مهیا می‌کشد و به لحاظ این‌که پول جهانگردی نیز همچون خود او در حرکت و جریان است هر واحد پول جهانگردی برحسب درجه رشد اقتصادی ممالک از ۳ تا ۱۰ بار در سال دست به دست می‌شود و موجب به وجود آوردن بازده مضاعف در اقتصاد آن کشور می‌شود. در واقع گردشگری نوعی ساختارشکنی است. هیچ رشته اقتصادی دیگری همچون این صنعت، این همه انسان را از مراکز عمده سکونت و شهری به مراکز دورافتاده و جنگلی نمی‌آورد. به عبارتی نقش آن در عدالت اجتماعی و توزیع اجتماعی درآمدها و عدالت جغرافیایی؛ یعنی وارونه ساختن رابطه مرکز پیرامون را نباید فراموش کرد. اینک روشن شده است که باید توسعه و اداره گردشگری به شیوه‌ای منسجم، کنترل‌شده و پایدار و بر مبنای برنامه‌ریزی مؤثر صورت بگیرد تا از این رهگذر، بدون ایجاد مشکلات جدی اجتماعی و زیست‌محیطی برای ناحیه مورد نظر، منافع چشمگیر اقتصادی در پی داشته باشد و منابع گردشگری برای استفاده در آینده نیز حفظ شوند. نمونه‌هایی متعدد از

برنامه‌ریزی و اداره نامناسب گردشگری در کشور و به‌ویژه در روستاها به چشم می‌خورد که در کوتاه‌مدت، چه بسا همین اقدامات توسعه‌ای کنترل‌نشده با منافع اقتصادی نیز همراه بوده، اما در بلندمدت، به مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی و ایجاد اماکن گردشگری با کیفیت پایین انجامیده است که برای ساکنان محلی زیانبار بوده و بازارهای گردشگری را به سود محل‌هایی که بهتر برنامه‌ریزی شده، از دست داده‌اند. ارزیابی‌های متعدد از برنامه‌های توسعه و عمران روستایی در ایران نشان می‌دهد که این برنامه‌ها ناخواسته در راستای توسعه شهری و نادیده گرفتن مشارکت روستائیان در برنامه‌ریزی و توسعه روستایی حرکت کرده‌اند. با این همه، مردم روستایی این توانایی را دارند که بهتر از دیگران به برنامه‌ریزی برای خود بپردازند و راه توسعه خود را با دست خودش مشخص کنند.

گردشگری روستایی این ظرفیت را در اختیار برخی از روستاهای دارای منابع گردشگری قرار می‌دهد تا با استفاده از فرصت پدید آمده، خودش برای آینده گردشگری روستایی و توسعه روستای خود مشارکت و برنامه‌ریزی کنند. برای توسعه همه جانبه و پایدار روستایی، توسعه گردشگری روستایی از راهکارهای مهم به شمار می‌رود. البته در کنار هر دلیلی برای ترویج گردشگری به مثابه یک ابزار توسعه روستایی، دلیلی معکوس نیز بر ضد آن وجود دارد. با این همه، گرچه گردشگری منادی ایجاد شغل است، اما به لحاظ ایجاد شغل‌های فصلی و پاره‌وقت و درآمدهای پایین نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. از نظر پیتز دورند، توسعه اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت بشری که برای جلوگیری از فقر ضروری است. تقلیل دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه اقتصاد است (ازکیا، ۱۳۷۹، ص: ۱۸). در اغلب

بی‌رویه جمعیت و مهاجرت روستائیان به شهرها نیز دست به گریبان است و هیچ یک از این مسائل نوید دور نمایی مثبت و خوش‌بینانه‌ای برای ورود به عصر فراصنعتی نمی‌دهند. بنابراین قبل از هر چیز باید این نارسایی‌ها حل و فصل شود (توسلی، ۱۳۷۵. صص: ۱۲۰-۸۰). شوماخر در کتاب معروف کوچک زیباست به انبوه بیکاران و مهاجرت توده‌وار اشاره می‌کند و حاصل این تحرک جمعیت را فراگرد مسموم‌سازی متقابل می‌داند (شوماخر، ۱۳۷۲. صص: ۱۴۷-۱۳۳). همین‌طور در بیست سال اخیر بر نقش صنایع کوچک روستایی در تأمین اشتغال مولد و کسب امکانات تازه به‌عنوان یک موضوع مهم تحقیقاتی در اقتصاد توسعه مطرح و در میان سیاست‌گذاران و مؤسسات بین‌المللی اعطای کمک‌ها (Donors)، به‌صورت بحث روز در آمده است (C. و Liedholm و E. و Cnuta، ۱۳۷۰. صص: ۲۱۷-۱۹۵). در کل این مقاله به دنبال یافتن جوابی مناسب برای سوالات زیر است.

۱. ضرورت ایجاد و گسترش صنایع دستی و فناوری‌های متوسط در توسعه توریسم و اشتغال پایدار در روستاهای ایران چیست؟
۲. انجام این امر چه تأثیری در دستیابی به توسعه پایدار روستایی در کشور ایران خواهد داشت؟
۳. تجارب مفید سایر کشورها در انجام این امر چه بوده است و چگونه می‌توان از این تجارب برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی در ایران استفاده کرد؟

روش تحقیق

محدوده جغرافیایی تحقیق، استان خراسان جنوبی و جامعه آماری تحقیق هم‌تعاونی‌ها و اعضای آن‌ها و مدیران و کارشناسان و کارمندان شرکت‌های تعاونی روستایی و کشاورزی و کارشناسان ادارات جهاد

مناطق روستایی جهان شغل اصلی روستائیان کشاورزی است. در مناطق روستایی، مشاغل غیرکشاورزی هم یافت می‌شود، اما آن‌ها از لحاظ اقتصادی در درجه دوم قرار دارند. در برخی مناطق، کشاورزی جنبه کار و کسب و نوعی صنعت را پیدا کرده است، اما در مناطق دیگر بیشتر نوعی شیوه معیشت- یا پیشه خانوادگی- محسوب می‌شود (چیتامبار، ۱۳۷۸. صص: ۱۰۶). بسیاری از جامعه‌شناسان روستایی بر این باورند که یکی از خصایص اصلی بخش کشاورزی سنتی در جوامع کشورهای جهان سوم پایین بودن سطح تولید است. براساس این عقیده وقتی کشاورزان به عوامل تولید سنتی محدود باشند، مقدار کمی به رشد اقتصادی کشور کمک می‌کنند و این به دلیل ناتوانی در به کارگیری عوامل مختلف برای افزایش تولید است. با اصلاح روش‌های سنتی تولید در این جوامع می‌توان میزان تولید را بالا برد. برای دستیابی به چنین هدفی تاکنون راه‌های متفاوتی برای توسعه روستایی ارائه شده است که مهم‌ترین و با سابقه‌ترین آن‌ها روش مدل ترویج است (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۵. صص: ۱۷۶). وجود کار به اندازه کافی برای همه بسیار مهم است؛ زیرا این تنها راه بر طرف ساختن بازتاب‌های ضد تولیدی و ایجاد یک فضای فکری جدید است؛ یعنی در هر کشور، کار چیزی گرانبها محسوب می‌شود و به بهترین نحو مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک فرد بیکار یک انسان مأیوس است و درعمل به مهاجرت وادار می‌شود. این توجیه دیگری است برای بیان اینکه موجودیت فرصت‌های کاری، نیاز اصلی است و باید هدف اصلی برنامه‌ریزی اقتصادی باشد. بدون آن، نمی‌توان سیل مردم به طرف شهرهای بزرگ را تخفیف داد تا چه رسد به اینکه از حرکت باز داشت (شوماخر، ۱۳۷۲. صص: ۱۳۵). جهان سوم نه تنها گرفتار کمبود اشتغال و سرمایه‌گذاری و عمومیت بیکاری است؛ بلکه با کمبود تکنولوژی، پایین بودن سطح آموزش و مهارت، افزایش

کشاورزی، اداره جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی و سازمان تعاونی استان خراسان جنوبی (به دلیل ارتباط کاری آن‌ها با تعاونی‌ها) و همین‌طور کشاورزان نخبه و مددکاران کشاورزی استان خراسان جنوبی هستند. نوع تحقیق از نوع توصیفی، استنباطی، کاربردی است. در انجام تحقیق از دو نوع روش (پارادایم) تحقیق کمی و کیفی استفاده می‌شود. برای جمع‌آوری اطلاعات از موارد متنوعی همچون کتاب‌ها، مقالات، اسناد و آمار و ... و همین‌طور پرسشنامه مخصوص کارشناسان و اعضای شرکت‌های تعاونی در بخش کشاورزی و ادارات جهاد کشاورزی و سازمان تعاونی استان خراسان جنوبی و همین‌طور کشاورزان نخبه و مددکاران کشاورزی استان خراسان جنوبی استفاده شد. روش‌های "مطالعات کتابخانه‌ای، پیمایشی، مطالعه اسناد و مدارک، استفاده از تجارب کشورهای موفق در توسعه پایدار بخش روستایی و کشاورزی مانند ژاپن، کره جنوبی و هندوستان، شناسایی شرکت‌های تعاونی در بخش روستایی و کشاورزی استان خراسان جنوبی، استفاده از سایت‌های اینترنتی و کتابخانه‌های دیجیتالی" و سپس "گردآوری نظرات مسئولان مرتبط با بخش کشاورزی (در سازمان جهاد کشاورزی و سازمان تعاون استان خراسان جنوبی) و کشاورزان نمونه در استان خراسان جنوبی و تجزیه و تحلیل نظرات آن‌ها" و در نهایت "ارائه راهکارها و الگوهای کارکردی در موضوع تحقیق"، از روش‌ها و اهداف اصلی این تحقیق است.

اهمیت موضوع تحقیق

- در خصوص صنعتی کردن مملکت، خواستار یک صنعت ملی و مستقل هستیم که همراه با کشاورزی در خدمت مردم قرار بگیرد؛ نه یک صنعت وابسته به خارج. مردم باید سعی کنند که در بخش کشاورزی و صنایع

کوچک فعال باشند و توجه به صنایع بزرگ باعث نشود که صنایع کوچک هم از بین برود (بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی "ره")

- استقلال و عدم وابستگی باید در سطح پایینی و زیرین آغاز شود و در صورتی که هر روستا خودکفا و قادر به مدیریت امورات خود شود؛ آن به دست می‌آید (مهاتما گاندی).

- اگر بتوانیم نظر مقامات و مردم را از پروژه‌های عظیم دور کنیم و توجه آن‌ها را به نیازهای واقعی فقرا جلب کنیم، قادریم در مبارزه پیروز شویم (ای. اف. شوماخر. کوچک زیباست. نقل شده در: رابرت چمبرز. ۱۳۸۱. ص: ۶۷).

- کارهایی را که باید انجام می‌دادیم، انجام نداده‌ایم و کارهایی را که نباید انجام می‌دادیم، انجام داده‌ایم، پس از سلامتی به دوریم (کتاب دعا‌های یومیه. نقل شده در: رابرت چمبرز. ۱۳۸۱. ص: ۲۲۹).

گردشگری و توسعه روستایی

امروزه رشد جمعیت در مناطق روستایی، بدون سرمایه‌گذاری نظام‌مند برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و متنوع‌سازی آن‌ها، به گسترش بیش از حد فعالیت‌های تولیدی و متکی بر منابع طبیعی انجامیده و این گسترش ناپایدار نیز به گونه‌ای محسوس به تخریب فزاینده منابع طبیعی موجود منجر شده است.

گذشته از این پیامد منفی، با میزان پایین بهره‌وری نیروی کار در نتیجه ماشینی شدن نامناسب، میزان بالای بیکاری (پنهان و آشکار) در بخش تولیدات روستایی و گسترش فناوری سرمایه‌بر، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار از طریق گسترش کارکردهای متکی بر منابع طبیعی در پاسخ به خیل عظیم بیکاران روستایی که بی‌بهره از سرمایه و مهارت لازم، ناگزیر با مهاجرت به

کلان‌شهرها حاشیه‌نشینی را گسترش می‌دهند، تا حدی غیر ممکن شده است (حیدری چیان، ۱۳۸۳). در جهان پرتلاطم کنونی، روستاها به کانون تردد انسان‌هایی بدل شده‌اند که برای فرار از زندگی پرهیاهوی شهری و زندگی ماشینی به روستاها سفر می‌کنند. امروزه با توجه به دامنه تقاضا و نیازهای محیط‌های روستایی، گردشگری روستایی رو به توسعه است و روز به روز بر اهمیت و جاذبه خاص آن افزوده می‌شود. در فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، می‌توان گردشگری روستایی را ابزاری برای افزایش اشتغال محلی و بهبود کیفیت زندگی و در نتیجه، افزایش سطح رفاه اقتصادی و امکانات اجتماعی منطقه‌ای به حساب آورد (منشی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۶). باید برنامه‌ریزی گردشگری در سطح ملی و منطقه‌ای صورت بگیرد تا از این رهگذر، سیاست‌های توسعه گردشگری، طرح‌های مربوط به ساختار، معیارها و استانداردهای ملی، امکانات، عوامل نهادی و دیگر عناصر ضروری برای توسعه و مدیریت گردشگری مد نظر قرار گیرد. از این رو در چارچوب برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای، تهیه برنامه‌های تفصیلی‌تر برای جاذبه‌های گردشگری، گردشگاه‌ها، شهرها و روستاها، و سایر اقسام گسترش گردشگری میسر است (سازمان جهانی گردشگری، ۱۳۷۹: ۱۴). براساس اطلاعات منتشرشده توسط سازمان جهانی گردشگری ملل متحد تا پایان سال ۲۰۰۶، گردشگری رشدی معادل ۷/۲ درصد داشته و حتی در هشت ماهه اول سال ۲۰۰۶ نیز با وجود ترس از درگیری‌ها و تروریسم، رشد گردشگری در جهان معادل ۴/۵ درصد بوده است (خبرگزاری میراث فرهنگی، ۱۳۸۵). کارشناسان صنعت گردشگری بر این باورند که از نظر ظرفیت‌های برنامه‌ریزی صنعت گردشگری، ایران جزو ده کشور اول جهان به شمار می‌رود، در حالی که سهم ایران از درآمد بازارهای بین‌المللی صنعت گردشگری بسیار اندک است. با اندکی تعمق، می‌توان به این حقیقت پی برد

که صنعت گردشگری در ایران، چنان که باید و شاید، در تولید درآمد و بهبود شرایط اقتصاد ملی و ناحیه‌ای موفق نبوده است (حیدری چیان، ۱۳۸۳). اصطلاح «گردشگری روستایی» در کشورهای مختلف دارای معانی متفاوتی است. برای مثال در فنلاند، اغلب به معنی اجاره دادن خانه‌های روستایی به گردشگران و تدارک مواد غذایی در روستاهاست؛ در مجارستان، اصطلاحی ویژه برای روستاهای توریستی وجود دارد که فقط به فعالیت‌ها و خدمات تدارک دیده شده در روستاها اشاره می‌کند و در واقع، حاکی از نوعی گردشگری ارزان در آنجا و درگیر شدن در کشاورزی یا فعالیت‌های محلی دیگری است که چندان برای گردشگر معمول نیست. در اسلوونی بخش مهمی از گردشگری روستایی را گردشگری با خانواده مزرعه‌داران تشکیل می‌دهد که در آن، گردشگران در کنار خانواده کشاورزان یا در اتاقی مجزا اقامت می‌کنند. علاوه بر این، دیدار از مزارع و گردش و صرف غذا در درون مزارع نیز معروف است. در هلند گردشگری روستایی به معنی چادر زدن در مزرعه است و در مسیر مجاور مزارع، با فعالیت‌هایی نظیر قایق‌سواری، پیاده‌روی یا اسب‌سواری پیوند یافته است. در یونان شرط اصلی گردشگری روستایی عبارت است از تدارک صبحانه و رختخواب با اتاق‌های دارای لوازم زندگی متعارف و پذیرایی با صبحانه‌های متداول که اغلب از محصولات خانگی تهیه می‌شوند (به نقل از: Yu, 2004: 45). گردشگری زراعی و اکوتوریسم نیز زیر مجموعه‌های گردشگری روستایی محسوب می‌شوند. رندل و بازبی گردشگری زراعی را زیر مجموعه گردشگری روستایی تعریف می‌کنند و بر این باورند که گردشگری روستایی مبتنی بر محیط روستاست، اما گردشگری زراعی بر پایه مزرعه و کشاورزی استوار

است و میان این دو ارتباطی سست و ضعیف وجود دارد. بنا به توصیف آن‌ها، گذار از گردشگری زراعی عبارت است از گردشگری مزرعه به مزرعه؛ و در مورد کشاورزان دارای این منبع درآمد ثانویه در کنار کشاورزی، این گونه بوده است که به آسانی خود را از فعالیت‌های کشاورزی جدا کرده‌اند. به گفته آن‌ها با این گذار، فعالیت‌های کشاورزی دیگر ترکیبی ضروری، طولانی و پیوسته نخواهد بود. به نظر می‌رسد که بسیاری از بررسی‌ها نقش مزرعه و کشاورز مبنی بر زمینه‌سازی گردشگری زراعی را تأیید می‌کنند (Fleischer and Tchetchik, 2005). به استناد یکی از مقالات مستدل طبیعت‌گردی، این واژه در اوایل ۱۹۸۰ توسط سبالوس لاسکورین ابداع شده است. او در تعریف واژه طبیعت‌گردی چنین می‌گوید طبیعت‌گردی سفری است به مناطق طبیعی نسبتاً بکر و دست‌نخورده با هدف مطالعه، تحسین و لذت بردن از مناظر، جانوران، گیاهان وحشی منطقه و هرگونه آثار فرهنگی (گذشته و معاصر) که در این مناطق یافت می‌شود (فنل، ۱۳۸۵ : ۵۶). گرچه اکوتوریسم یک راهبرد توسعه اقتصادی بادوام را برای مناطق روستایی و منابع طبیعی ارائه می‌دهد، همچنان بردباری و شکیبایی جوامع روستایی در این راه ضرورت دارد؛ زیرا اکوتوریسم علاوه بر نیاز به مدیریت قوی و دقیق، چه بسا گاهی نیز مردم را به رقابت برخلاف منابع طبیعی وا می‌دارد. از این رو، نیازی جدی و ضروری به پیگیری توسعه پایدار در فعالیت‌های اکوتوریستی وجود دارد تا مباحث مربوط به اجتماعات محلی، گردشگران و محیط زیست از طریق یک رویکرد مشارکتی بین توسعه و محیط (مشروط به حفظ منافع هر دو) مطرح شوند.

بنابراین، گردشگری روستایی واقعاً به یک ناحیه عمده «جدید» برای تقاضای گردشگری تبدیل شده و از سوی همه سیاستمداران مورد موافقت جدی قرار گرفته

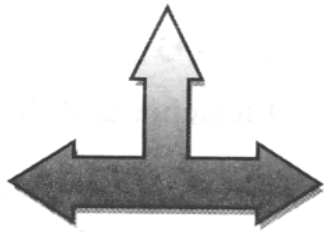
است که در این زمینه، پیگیری‌هایی نیز صورت می‌گیرد. از حدود بیست سال پیش، مفهوم گردشگری پایدار (در نتیجه افزایش بحث‌های مقابله با نبود مدیریت گردشگری) مطرح شده است. به نظر می‌رسد که گردشگری پایدار در مناطق توریستی نتیجه رابطه‌ای سه‌گانه میان مناطق گردشگری، مردم و محل سکونت آن‌ها، مسافرت‌ها و صنعت گردشگری باشد.

در گذشته، صنعت گردشگری بر این رابطه مثالی غلبه داشت (شکل ۱) (Lane, 1994). اهداف گردشگری پایدار برای تطبیق و تعادل بحران‌های این سه بخش مثلث ایجاد شده است و چنین تعادلی را در مدت زمان طولانی حفظ می‌کند. در واقع گردشگری پایدار به سمت کاهش خطرات فرهنگی و محیطی، رضایت گردشگران و افزایش رشد اقتصادی برای مدت زمان طولانی و حفظ تعادل بین ظرفیت رشد گردشگری و ضرورت‌های زیست‌محیطی در منطقه گرایش دارد (Lane, 1994).

مفهوم پایدار در گردشگری روستایی با پیگیری اهدافی چندگانه امکان تحقق خواهد داشت و نباید فقط بر پایه محافظت از منابع طبیعی استوار باشد.

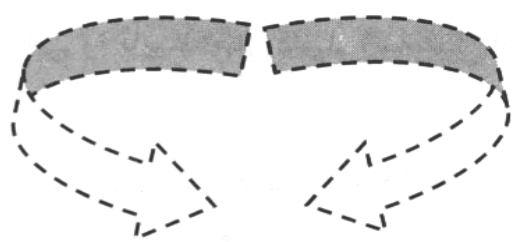
اهداف مورد نظر باید مطابق با موارد زیر باشد. تقویت فرهنگ و خصوصیات جوامع میزبان؛ تقویت چشم‌اندازها و سکونتگاه‌ها؛ تقویت اقتصاد روستا؛ تقویت صنعت گردشگری که برای مدت زمان طولانی دوام داشته باشد؛ افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات در رابطه با بازار گردشگری که در صورت عدم تداوم درازمدت آن، بر اثر گوناگونی فعالیت‌های اقتصادی در روستا، خطراتی را در پی دارد؛ و ایجاد برنامه‌های گردشگری پایدار که براساس یک محدوده گسترده از تحلیل‌های منطقه‌ای و بیشتر تاریخی استوار باشد (Heneghan, 2002).

صنعت گردشگری (پایدار)



منطقه گردشگری مردم و محل سکونت آنها

صنعت گردشگری (در گذشته)



منطقه گردشگری مردم و محل سکونت آنها

شکل ۱. گردشگری در گذشته و گردشگری پایدار.

ما بسیار متنوع و گسترده است؛ با این همه، تاکنون این جاذبه‌ها چندان شناخته و معرفی نشده و بهره‌بردارانی لازم از آنها به عمل نیامده است. در ایران، تاکنون بیش از ۳۵۶ روستای هدف گردشگری تعیین شده و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مسئول تدوین و تهیه اطلاعات و آگاهی‌های لازم از ویژگی‌های این روستاها شده است. مطالعات گوناگون نشان داده است که ورود گردشگران شهری به جامعه روستایی بروز سلسله کشمکش‌هایی میان دو شیوه زندگی و نبود امکان ادغام یکی در دیگری را موجب شده است (لانکوار، ۱۳۸۱: ۹۱). نتکون نیز روشن کرده است که گردشگری در یک جامعه گروه‌های انسانی متفاوت را به بازشناسی و مقایسه وا می‌دارد. بنابراین، طبقات بالاتر مردم می‌توانند در زندگی گردشگران مشارکت داشته باشند، اما به دلایل سیاسی - اجتماعی به‌ویژه در جوامع کشاورزی، ترجیح می‌دهند در محیط بسته خود زندگی کنند. در این جوامع، هنوز مخالفتی همه جانبه و سازش‌ناپذیر یا مخالفتی سرد و خشک اما با تفاوت‌های جزئی وجود خواهد داشت؛ زیرا برای دوستی با فیلبان، باید خانه‌ای در خور فیل بنا کرد. بونیکور می‌گوید: «با اینکه این کار اشتباه است،

مفاهیم اولیه گردشگری پایدار اولین بار توسط جانک کریپندورف و دیگران در ۱۹۸۰ بیان شد و از آن پس در جاهای بسیاری تمرین و آزمایش شده که نشانه‌های آن موارد زیر است، تحلیلی از نیازهای اجتماعی، اقتصادی، بوم شناختی و فرهنگی منطقه؛ تحلیلی از ظرفیت‌های گردشگری و محدودیت‌های توسعه آن در آینده؛ استفاده از گردشگری به مثابه ابزاری برای اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، بوم‌شناختی و فرهنگی منطقه؛ ارزیابی قوی از مشارکت محلی در فرایند تهیه برنامه و تصمیم‌گیری برای تداوم آن؛ مد نظر قراردادن ظرفیت‌های گردشگری و نوع و مقیاس توسعه آن؛ استقرار فرصت‌ها و راهبردهای بازاری بر حسب راهبردهای گردشگری پایدار، برنامه‌های آموزشی برای بازار و مشاغل؛ بیمه و تأکید بر ضرورت حمایت از کشاورزان؛ و راهبردهای طولانی (پنج تا ده ساله برای سازگار شدن)، البته برای داشتن کارآیی، باید فهرستی از اولویت‌ها و برنامه کاری یک ساله حداقل در طول سه سال داشته باشیم (Heneghan, 2002). امروزه گردشگری روستایی از مردمی‌ترین اشکال گردشگری محسوب می‌شود (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۲۰۱). جاذبه‌ها، امکانات و قابلیت‌های توسعه گردشگری در نواحی روستایی کشور

گردشگری به خودی خود اشاعه فحشا و خودفروشی، اعتیاد به مشروبات الکلی و قاچاق را سبب نمی‌شود، اما بدون شک بر این مسائل اثر می‌گذارد و آن‌ها را گسترش می‌دهد (لانکوار، ۱۳۸۱: ۹۱). در زمینه ارتباط بین گردشگری و توسعه روستایی سه دیدگاه مطرح است. دیدگاه اول گردشگری را به مثابه راهبردی برای توسعه روستایی به کار می‌گیرد. در دیدگاه دوم، گردشگری به مثابه سیاستی برای بازساخت سکونت‌های روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد. در دیدگاه سوم، گردشگری روستایی به مثابه ابزاری برای توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی مطرح است؛ این دیدگاه خواهان رشد بلندمدت گردشگری بدون آثار مخرب بر زیست بوم‌های طبیعی است (رضوانی و صفایی، ۱۳۸۴). برخی عوامل کاهش آثار گردشگری روستایی به مثابه ابزاری برای توسعه روستایی عبارت اند از تعداد محدود سرمایه‌گذاران در مناطق روستایی، بعضی سرمایه‌گذاری‌های حفاظت از منابع طبیعی؛ کوچک بودن مقیاس و گوناگونی منابع طبیعی در آن مناطق روستایی که تعداد سرمایه‌گذاران انگشت‌شمار است؛ ناقص بودن بازار و تهیه کردن محصول؛ فقدان سیاستی برای مدیریت توسعه و بازار گردشگری روستایی (Heneghan, 2002).

نگاهی بر راهبرد صنعتی شدن روستاها در

فرایند توسعه

امروزه واژه صنایع روستایی و صنعتی شدن روستاها در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه در کشورهای مختلف دنیا از جمله کشورهای در حال توسعه نظیر چین، هندوستان، مالزی، مصر و ... از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و این مقوله سهم چشمگیری در ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و بهبود معیشت روستانشینان و ... ایفا می‌کند.

تا قبل از دهه ۱۹۵۰ به صنایع کوچک و روستایی توجه چندانی نمی‌شد، اما در دهه ۵۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای مقابله با بیکاری و فقر برنامه‌ریزی وسیعی را برای گسترش این صنایع به عمل آوردند. در این خصوص کشورهای نظیر چین، هندوستان، کره جنوبی و اندونزی نسبت به سایر کشورها اهمیت و اولویت بیشتری را برای صنایع کوچک و روستایی قائل شدند؛ ولی با وجود توجه کشورهای در حال توسعه طی چند دهه گذشته به صنایع روستایی، هنوز هم بعضی از این کشورها در مورد صنعتی‌سازی روستاها و شناخت‌شناسی مفهوم صنایع روستایی با چالش مواجه هستند. ایران نیز پس از انقلاب اسلامی و طی دو دهه گذشته از طریق وزارت جهاد سازندگی، مقوله صنایع روستایی را بیش از گذشته مورد توجه قرار داده و با ترسیم اهداف زیر

الف) کمک به عمران و توسعه پایدار روستاها در برای بهبود وضع اقتصادی اجتماعی روستانشینان از طریق

۱. جلب مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه صنایع روستایی (تبدیلی، کوچک و دستی).
۲. فراهم کردن زمینه‌های اشتغال و افزایش درآمد برای روستانشینان و تحقق عدالت اجتماعی.
۳. زمینه‌سازی برای بهره‌برداری بهینه از امکانات و قابلیت‌های مناطق روستایی برای تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی در این مناطق.
۴. ارتقای دانش فنی و مهارت روستانشینان و افزایش بهره‌وری نیروی کار روستایی.
۵. پشتیبانی از فعالیت‌های بخش کشاورزی.

ب) تولید و تأمین بخشی از کالاهای مورد نیاز کشور.

ج) کمک به افزایش صادرات غیرنفتی.

اقدامات و عملکرد چشم‌گیری در خصوص صنایع روستایی داشته که به‌صورت خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. برای تحقق این اهداف، اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری از بدو تأسیس تا پایان نیمه اول ۱۳۷۹ نسبت به صدور ۱۲۸۱۹ فقره مجوز تأسیس با پیش‌بینی سرمایه‌گذاری ۷۲۵۸ میلیارد ریال و میزان اشتغال ۱۷۲۵۷۲ نفر اقدام کرد. از این تعداد ۴۵۹۲ طرح با سرمایه‌گذاری ثابت ۱۵۸۲ میلیارد ریال و ایجاد اشتغال ۵۳۹۸۳ نفر به مرحله تولید و بهره‌برداری رسیده‌اند.

علاوه بر این، به منظور اصلاح خطوط تولید و بهسازی کارگاه‌های صنعتی موجود روستایی و بهداشتی کردن آن‌ها و بهره‌مندی از تسهیلات بانکی و نیز نظارت و ارائه خدمات مورد نیاز به این کارگاه‌ها با هدف افزایش کمی و کیفی تولیدات آن‌ها بالغ بر ۳۶۰۰۰ فقره مجوز کارت شناسایی صادر و برای تثبیت اشتغال ۷۶۰۰۰ نفر اقدامات لازم صورت پذیرفته است.

همچنین برای ارائه خدمات زیربنایی صنعتی و ترغیب سرمایه‌گذاران و جلوگیری از تعرض به زمین‌های کشاورزی و رعایت موازین زیست محیطی و صرفه‌جویی در هزینه‌های سرمایه‌گذاری اقدام به مطالعه و احداث ۱۷۰ ناحیه صنعتی روستایی شده که از این تعداد ۹۰ ناحیه به مرحله بهره‌برداری رسیده است و در این نواحی ۳۴۹۰ واحد تولیدی قابل استقرار بوده که زمینه اشتغال ۵۰۱۲۰ نفر را فراهم خواهد کرد. ایران نیز با وجود توجهات و این اقدامات، در خصوص صنعتی شدن روستاها و شناخت مفهوم صنایع روستایی با چالش روبه‌روست (ظاهر خانی، م. ۱۳۷۹. صص: ۴-۱).

نگاهی بر تجارب موفق کشور چین در صنعتی شدن مناطق روستایی

برای دستیابی به الگوی بهینه صنعتی شدن روستاها در دوره بعد از اصلاحات در چین، نقش عوامل زیر قابل توجه است.

۱. انعطاف‌پذیری بالا: بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های روستایی در چین از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار هستند به طوری که سهولت در تغییر خط تولید بنابر مقتضیات بازار از ویژگی‌های بارز این صنایع محسوب می‌شود.

۲. سرمایه‌گذاری‌های کم هزینه: سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده توسط دولت در مناطق روستایی با هزینه‌های کم صورت گرفته است به طوری که ایجاد اشتغال برای هر فرد در شهر با سرمایه‌ای معادل ۱۵۰۰۰ یوان و در مناطق روستایی تنها ۱۰ درصد این مبلغ امکان‌پذیر بوده است.

۳. مدیریت پویا: براساس آمارهای موجود ۳۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های روستایی از مدیریت بسیارخوب، ۴۰ درصد متوسط، ۲۰ درصد ضعیف و فقط ۱۰ درصد مدیریت بسیار ضعیفی داشته‌اند.

۴. جهت‌گیری به سوی گروه‌های هدف: از آنجا که صنایع روستایی درآمد سرانه بیشتری را نسبت به بخش کشاورزی برای گروه‌های کم درآمد روستایی ایجاد میکند، بیشترین توجه دولت به استقرار در مناطق روستایی، معطوف به افزایش درآمد گروه‌های کم درآمد بوده است.

۵. حمایت و گسترش واحدهای صنعتی روستایی با مالکیت‌های خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت به‌خصوص از اواسط دهه هشتاد: بنابر اطلاعات موجود در خصوص مقایسه الگوی رفتاری کارگران جدید در واحدهای صنعتی روستایی خصوصی با واحدهای تولید

اشتراکی قبل از اصلاحات، انگیزه بیشتری در فعالیت مشاهده شده است. در گذشته، ایجاد انگیزه از طریق تیم‌ها انجام گرفته و سود کار نیز بنابر منافع حاصل از تولید بدون توجه به بهره‌وری تولید توزیع می‌شد، در نتیجه پیوند معناداری میان بهره‌وری نیروی کار، سودآوری سرمایه‌گذاری‌ها و درآمد حاصل از آن وجود نداشت. در حالی که سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده با مالکیت‌های خصوصی حتی در نوع سازماندهی جمعی و تعاونی آن، انگیزه فعالیت را به‌طور مستقیم افزایش داده و بین دستمزدها و بهره‌وری پیوند قابل قبولی ایجاد می‌کند.

۶. تکنولوژی کاربر با هدف ایجاد اشتغال در بخش

غیر کشاورزی

۷. ایجاد روابط منطقی میان صنایع روستایی، صنایع

مدرن و بخش کشاورزی

۸. سرمایه‌گذاری‌های وسیع، کوچک مقیاس

به‌خصوص در پنج صنعت اصلی موسوم به صنایع کوچک مقیاس پنجگانه این صنایع؛ شامل آهن، فولاد، صنایع کود شیمیایی، ماشین‌آلات کشاورزی و صنعت سیمان است که در مناطق روستایی استقرار یافته‌اند. این صنایع کاملاً منحصربه‌فردند؛ زیرا چین تنها کشوری است که این محصولات را در ابعاد کوچک مقیاس و با استفاده نسبی از فناوری‌های کاربر تولید می‌نماید.

۹. استقرار صنعت در مناطق روستایی همگام با

برنامه‌های توسعه همه‌جانبه روستایی. در فرایند برنامه‌ریزی توسعه روستایی، راهبرد صنعتی شدن روستایی بخشی از فرایند راهبرد توسعه همه‌جانبه روستایی محسوب می‌شود.

۱۰. تفکر ایده‌آل توسعه صنعتی در مناطق روستایی:

این تفکر که با الهام از نظرات تی.اس. پاپولا پایه‌گذاری شده است بر همگامی و همراهی تولید توأم با رشد مصرف روستایی تأکید دارد.

۱۱. رعایت منطقی گذار از بخش کشاورزی به

بخش صنعتی در روستا، با شعار

"ترک زمین اما نه روستا، داخل شدن به

کارخانه اما نه در شهر"

۱۲. اتخاذ تدابیر مناسب برای مکان‌یابی صنایع در

مراکز روستایی منتخب (طاهر خانی، م. ۱۳۷۹. صص: ۱۸۷-۱۸۴).

فناوری مناسب در توسعه روستایی

به تازگی آگاهی‌های عمومی در زمینه اینکه نقش

فناوری در زندگی انسان‌ها چیست، رشد کرده است.

بخشی از این آگاهی از آنجا ناشی می‌شود که تشخیص

داده شده که آثار فناوری لزوماً مثبت نیست. در این

رابطه بحثی به‌وجود آمده که آثار مثبت و منفی فناوری

و فرایندی که آن را به‌وجود می‌آورد را دربر می‌گیرد.

ابعاد اجتماعی خود تکنولوژی و آثار اجتماعی آن

به‌عنوان موضوعات مرکزی این مشاجره هستند. قسمت

اعظم اندیشه در این مشاجره در مورد این است که آیا

یک دسته از فناوری‌ها از دسته دیگر مناسب‌ترند یا نه؟

در حقیقت بحث فناوری مناسب از این اندیشه حساس

سرچشمه می‌گیرد که آثار فناوری به اصطلاح نوین در

کشورهای پیرامونی چیست. برای تفهیم چنین

اندیشه‌ای نیاز به این است که ابتدا ماهیت تکنولوژی در

کشورهای پیرامونی را تبیین کنیم. با تبیین این ماهیت

است که «تکنولوژی مناسب» به‌عنوان یک مفهوم، برای ما

جا خواهد افتاد. این مفهوم مانند سایر مفاهیم علوم

اجتماعی به دنبال خود ریشه‌های فکری و اندیشه‌ای را

یدک می‌کشد. شناخت این تفکرات باعث می‌شود تا

مفهوم تکنولوژی مناسب ریشه‌یابی بشود.

اگر یک دسته از فناوری‌ها مناسب شناخته شوند،

پس باید دارای خصایص ویژه‌ای باشند. براساس اینکه

رشد و توسعه صنعت و فناوری همراه با بسط و گسترش نظام سرمایه‌داری در کشورهای غربی فرایند به زیر سلطه کشیدن مستعمرات و سرزمین‌های خارجی را تسریع کرد. صنایع ملی و دستی کشورهای زیر سلطه در مقابل یورش کالاهای ساخته‌شده کشورهای غربی نابود شدند و دیگر جنبه‌های اقتصاد این کشورها نیز نه برای تأمین نیازهای داخلی، بلکه در رابطه با سلطه استعماری و امپریالیستی قرار گرفت و امکان توسعه مستقل را از دست دادند. در این زمینه با شروع صدور سرمایه و سرمایه‌گذاری کشورهای غربی در فرایند تولید صنعت کشورهای پیرامونی، فرایند صنعتی شدن وابسته این کشورها شروع شد که حاصل آن وابستگی صنعتی کشورهای پیرامونی است. صنعت وابسته به صورت‌های گوناگون به کشورهای پیرامونی منتقل می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است.

۱. پروانه ساخت: در این نوع انتقال، دارنده فناوری که حق اختراع را در اختیار دارد، این حق را در مقابل کسب امتیازات مشخص به استفاده‌کننده واگذار می‌کند.
۲. ایجاد کل سیستم تولیدی: در برخی قراردادهای انتقال فناوری، خریدار فناوری، ایجاد یک سیستم تولیدی جدید را به عرضه‌کننده فناوری واگذار می‌کند و مؤسسه انحصاری خارجی اجرای کلیه فعالیت‌ها را از مقدماتی‌ترین عملیات تا راه‌اندازی و تحویل آن برای تولید در اختیار می‌گیرد.

۳. کنترات فرعی: در بعضی نمونه‌ها، بجای این‌که کل عملیات ساخت توسط خریدار تکنولوژی یا عرضه‌کننده صنعت صورت بگیرد، بخشی از عملیات به منبع سومی به‌عنوان کنترات فرعی واگذار می‌شود. صنعتی که توسط جهان غرب به کشورهای پیرامونی انتقال داده می‌شود، دارای آنچنان ویژگی‌هایی است که محدودیت‌ها و موانع عمده‌ای را

مناسب بودن فناوری برای چه جامعه‌ای است، خصایص آن نیز متفاوت است. هدف ما بررسی تکنولوژی مناسب برای جوامع روستایی کشورهای پیرامونی است. بنابراین آن دسته از فناوری‌ها که مناسب جوامع روستایی کشورهای پیرامونی است، دارای طرح و الگوی ویژه‌ای هستند که باید مشخص شود. اما فقط بیان اینکه این فناوری چه خصایصی دارد، کافی نیست. باید معین کرد که فناوری مناسب جوامع روستایی کشورهای پیرامونی چگونه انتخاب می‌شوند؛ زیرا هر پدیده‌ای که در جامعه‌ای گسترش یابد دارای آثار آنی و درازمدت است. بدون شک از روی خصایص و الگوی هر فناوری می‌توان آثار احتمالی آن را بیان کرد. البته این فقط یک پیش‌بینی است که در محدوده علوم اجتماعی میسر است. تحقیق در هر پدیده اجتماعی اگرچه پاسخ‌یابی به دسته‌ای از سؤالات نامکشوف است، اما خود باعث ایجاد سؤالات جدید می‌شود. امروزه در بسیاری از جوامع نه تنها مسئله فناوری مناسب مورد بحث و مجادله است، بلکه بسیاری از کشورها در عمل طرح‌هایی در این زمینه پیاده کرده‌اند. اجرای طرح‌های فناورانه مناسب برای کشورهای به‌کار گیرنده این نوع فناوری، مسائل مورد تحقیق جدیدی را به‌وجود آورده است. با ملاحظه این مسائل می‌توان مشخص کرد که قبل و بعد از پیاده کردن طرح‌های فناورانه مناسب، چه مسائلی را باید مد نظر قرار داد (لهسایی زاده. ۱۳۷۹ و ۱۳۶۵).

ویژگی‌های فناوری در کشورهای پیرامون

کشورهایی که امروزه معروف به کشورهای پیرامونی هستند، قبل از اینکه خصیصه پیرامونی را پیدا کنند، دارای تکنولوژی و صنعت ملی خود بوده و کالاهای صنعتی خاص خود را در زمینه‌های مختلف تولید می‌کرده‌اند. این کالاها در بسیاری موارد به لحاظ کیفی در جهان بی‌نظیر بوده‌اند.

در راه توسعه صنعتی و اقتصادی این کشورها به شرح زیر پدید می‌آورند.

اولاً، ارائه‌دهنده انحصاری صنعت، تنها به نفع خصوصی خود می‌اندیشد و مسلم است که از این رهگذر به ضرورت‌ها، نیازها و منافع کشور خریدار فناوری توجهی ندارد.

ثانیاً، این تکنولوژی اغلب سرمایه‌بر بوده و حداقل ضروری که وارد می‌کند، ایجاد بیکاری و توزیع ثروت در دست عده محدودی از افراد جامعه است.

ثالثاً، این نوع فناوری، وابسته به قطعات و کالاهای واسطه وارداتی است که وابستگی شدید صنعتی را شدت می‌بخشد.

رابعاً مانع از انتقال فناوری صنایع سرمایه‌داری می‌شود. این نوع فناوری در کشورهای پیرامونی که بیشتر در مراکز بزرگ شهری متمرکز است، هزینه‌ها و شرایط خاص و سنگینی برای کشورهای پیرامونی به ارمغان می‌آورد.

از طرف دیگر این فناوری دارای محدودیت‌هایی برای این دسته از کشورهاست.

۱. محدودیت صادرات، ۲. محدودیت میزان تولید، ۳. محدودیت عدم استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مشابه و ۴. محدودیت خرید مواد و قطعات. مجموعه این شرایط و محدودیت‌های صنعتی، وابستگی صنعتی و در نهایت وابستگی اقتصادی کشورهای پیرامونی را تشدید می‌کند.

مسئله‌ای را که نباید در اینجا از قلم انداخت این است که به لحاظ صف بندی اقتصادی- اجتماعی نظام غربی با نظام‌های سنتی در کشورهای پیرامونی، صنایع روستایی این کشورها دارای فناوری خاص بوده و در مقابل هجوم فناوری غرب مقاومت و سعی در بقای خود می‌کنند. اگرچه این صنایع مقاومت می‌کنند، اما به لحاظ ساخت تکنولوژی وارداتی و روابط بازاری کمک‌کننده به فروش کالاهای ساخت فناوری‌های جدید، صنعت سنتی روستایی

زیر ضربات تکنولوژی غربی یا از بین می‌رود یا به تغییر برای منافع فناوری‌های نو تن می‌دهد. صنایع روستایی کشورهای پیرامونی؛ شامل سه رشته عمده است که عبارت‌اند از: صنایع تبدیلی، صنایع دستی و صنایع کوچک. صنایع تبدیلی به صنایعی گفته می‌شود که ارتباط مستقیم با محصولات کشاورزی و دامداری دارد.

در بیشتر کشورهای پیرامونی صنایع تبدیلی آن چنانی در روستاها وجود ندارد و به همین علت محصولات کشاورزی روستائیان با بهای پایین از آن‌ها خریداری و به مراکز شهری برای فرآوری منتقل می‌شود که سود سرشار تبدیل محصولات کشاورزی، به کیسه سرمایه‌داران شهری سرازیر می‌شود، بدون اینکه به اقتصاد روستا چیزی بیفزاید. بخش دوم، صنایع دستی است که در روستاهای کشورهای پیرامونی قدمت بسیاری دارد و از دیرباز روستائیان به آن مشغول بوده‌اند و هنوز هم گروه کثیری از روستائیان از این راه امرار معاش می‌کنند. این صنایع در وضعیت متضادی قرار دارند. از یک طرف رشته‌هایی از آن مانند شال‌بافی، گیوه‌دوزی و سفالگری زیر ضربات وارده از تولید انبوه ماشینی شهری در حال اضمحلال هستند، در حالی که دسته‌ای دیگر چون قالی‌بافی به علت تمایلات افراد شهری و غربی به ابتیاع آن، در حال شکوفایی هستند.

البته این بخش به فرایندهای جدیدی مبتلا شده است (از آن جمله است تولید سرمایه‌ای شدن). بخش سوم صنایع روستایی؛ شامل صنایع کوچک است که در واقع، تأمین‌کننده نیازهای کشاورزی، دامپروری و مکمل و زمینه‌ساز خودکفایی روستایی است. این بخش از صنایع روستایی به دلیل ناتوانی در رقابت با کالاهای ساخت شهری در بسیاری از روستاهای کشورهای پیرامونی از بین رفته است و

نظر تحریک شدگان به لحاظ اخلاقی صحیح و ضروری است. منظور از فناوری مناسب این است که هر فناوری باید به طور مناسب برای شرایطی خاص که در آن شرایط فناوری مورد نظر قرار است پیاده شود، طرح یا انتخاب شود. درست است که فناوری عبارت است از مجموعه‌ای از فرایندهای فیزیکی، روش‌ها، فنون، ابزار و تجهیزات، ماشین‌آلات و مهارت‌هایی که توسط آن‌ها کالاهایی ساخته می‌شود یا خدماتی ارائه می‌شود، اما مناسب بودن این فناوری از محیطی به محیط دیگر متفاوت است؛ زیرا هر محیطی دارای شرایط اجتماعی، اقتصادی، اعتقادی و سیاسی خاص خود است که نظام ارزش‌های آن جامعه را معین می‌کنند. این نظام ارزش‌هاست که محرک ایجاد و انتخاب یک دسته از فناوری‌های خاص به نام تکنولوژی مناسب می‌شود (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۹ و ۱۳۶۵).

فناوری مناسب برای توسعه نواحی روستایی کشورهای جهان سوم

ای. اف. شوماخر (۱۳۷۲، صص: ۱۳۴-۱۳۳) می‌گوید که فرصت‌های کاری فقیران روستایی در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه، آن چنان محدود است که نمی‌تواند گریزگاهی از بینوایی باشد. آن‌ها یا به طور ناقص اشتغال دارند یا به کلی فاقد اشتغال هستند و هنگامی که کاری می‌یابند، بهره‌زایی آنان فوق‌العاده پایین است. پاره‌ای از آن‌ها قطعه زمینی را در اختیار دارند، اما اغلب بیش از اندازه کوچک است. بسیاری از ایشان هیچ زمینی ندارند و امیدی هم برای تملک ندارند. آن‌ها به طور ناقص به کار مشغول هستند یا به کلی بیکارند؛ به همین دلیل راهی شهرهای بزرگ می‌شوند. اما در شهرهای بزرگ هم کاری برای آن‌ها وجود ندارد و علاوه بر آن از مسکن هم بی‌بهره‌اند. به هر تقدیر، به سوی شهرهای

امروز خیل روستائیان را در بازارهای شهری برای تأمین مایحتاج تولیدی خود می‌بینیم.

با استقرار صنایع کوچک در روستاها، می‌توان بخش اعظمی از نیازهای روستائیان را در مناطق روستایی تأمین کرد تا روستایی مجبور نشود برای تأمین کوچک‌ترین نیاز خود به شهر بیاید. شرایط فناوری در کشورهای پیرامون و سقوط صنایع روستایی در این کشورها بر پایه گرفتاری‌هایی است که فناوری‌های جدید در این بخش از جهان به وجود آورده و باعث شده تا افرادی ماهیت فناوری‌های موجود را زیر سؤال برده و به دنبال پدیده‌ای تازه به نام «فناوری مناسب» در مقابل فناوری نامناسب بگردند. ایده فناوری مناسب برای اولین بار توسط ای. اف. شوماخر ابراز شد. مسئله فناوری مناسب گسترش یافت تا شکست انتقال فناوری غربی برای کاهش فقر در کشورهای جهان پیرامونی را نشان دهد. به دنبال بحث شوماخر، آموری لووویز بحث فناوری مناسب را براساس نقد فناوری نامناسب به شرح زیر ارائه کرد.

وسائیل تولیدی که سرمایه‌بر، پیچیده، پرمه‌ن، متمرکز، منبع‌بر، منبع تلفکن و وابسته به منابع غیرمحلی است، دارای آثار اجتماعی جبران‌ناپذیری است. این فناوری‌های علمی-صنعتی، مردم را از اشتغال بر انداخته و آن‌ها را نسبت به جامعه بیگانه می‌کند. آن‌ها که به کار خود ادامه می‌دهند نسبت به کار بیگانه می‌شوند. حاصل آن، فراوانی برای عده قلیلی و بی‌چیزی و فقر برای توده‌های مردم است. واحدهای اجتماعی جامعه وابسته و آسیب‌پذیر به وقایع خارجی ماورای کنترل خود می‌شوند. این فناوری‌ها به لحاظ محیطی مخرب بوده و در نهایت سبک زندگی را به هم می‌زنند. در مقابل، فناوری مناسب یک جنبش اجتماعی است و باید به‌عنوان یک جنبش شناخته شود. در حقیقت فناوری مناسب، کوششی برای به تحرک در آوردن کنش جمعی برای تعهد و تحول است. تحولی که از

بزرگ هجوم می‌آورند؛ زیرا در مقایسه با روستاها که در آن‌ها هیچ فرصتی وجود ندارد در شهرهای بزرگ فرصت‌هایی برای یافتن بعضی کارها وجود دارد. شوماخر در کتاب معروف کوچک زیباست، فناوری متوسط را که از نظر هزینه و پیچیدگی در بینابین فناوری بومی سنتی و فناوری پیشرفته سرمایه‌بر غرب است، دارای قابلیت کاربرد فوق‌العاده وسیعی در کشورهای جهان سوم می‌داند. (لهسایی زاده. ۱۳۷۹. صص: ۷۰-۱۰۰) خصوصیات فناوری مناسب در بخش روستایی کشورهای در حال توسعه در موارد بیان شده است.

۱. این فناوری دارای هزینه پایین و سرمایه کم بوده و به آسانی قابل حصول است.
۲. به لحاظ سرمایه‌گذاری، سرمایه‌اش توزیعی بوده؛ شامل مؤسسات کوچک و تنوع در محتواست.
۳. این تکنولوژی دارای دامنه کم، قابل تعمیر، بادوام، مطمئن، ایمن، ساده و پیشرفته است.
۴. به لحاظ تصمیم‌گیری، نامتمرکز و دموکراتیک است و تولید تحت کنترل به‌کارگیرنده فناوری و مصرف‌کننده محلی است.
۵. فناوری مناسب دربرگیرنده نوآوری محلی، توسعه و انتشار از پایین به بالا و در ارتباط با احتیاجات اساسی مردم است.
۶. این فناوری کاربر بوده و ایجاد مشاغل با معنی می‌کند.
۷. فاقد پیچیدگی فناوری نامناسب بوده و از تقسیم کار پایین وسایل، برخوردار است. روابط تولیدی ناشی از آن غیر خصمانه بوده و آزادی، باز بودن و خودتکمیلی در کار را داراست.
۸. تأکید بر تولید محلی برای نیازهای محلی است. همچنین تأکید روی کیفیت زندگی است نه فقط رشد اقتصادی.

۹. ایجاد اشتغال کامل، سطح زندگی متوسط و اختلاف در آمد را کم می‌کند.
۱۰. دارای مصرف ذخیره‌وار منابع داخلی (به‌ویژه منابع ترمیم‌نشده) که برخوردهای بالقوه بر سر منابع را کم می‌کند) است.
۱۱. به لحاظ محیطی توسعه مناسبی ایجاد می‌کند و کیفیت محیط را حفظ می‌کند. شیوه‌ای که فناوری مناسب با خصوصیاتی که در بالا گفته شد انتخاب و در روستاها به‌کار گرفته می‌شود باید در چارچوب مشارکت عامه باشد. یکی از اصول اولیه این است که بر اساس ظرفیت فناورانه مردم محلی و توانایی منابع محلی، باید این انتخاب و به‌کارگیری، پایه‌گذاری شود تا اینکه بتوانیم فرایند خود - تولید و خلاقیت فناورانه داخلی را به‌وجود آوریم.

صنایع دستی روستایی

منظور از صنایع دستی روستایی آن نوع از صنایع ساده و بدون پیچیدگی تکنیکی است که در روستا منبع در آمد و شغل تکمیلی محسوب می‌شود و روستائیان در مواقع بیکاری فصلی بدان می‌پردازند. خانوار روستایی از مواهب صنایع دستی استفاده می‌کند تا بدین وسیله بتواند هم از اتلاف وقت خود جلوگیری کند و هم کالایی را تولید کند و در نهایت به نیازهای مصرفی خانواده خود پاسخی بدهد. صنایع دستی روستایی در واقع، مکمل فعالیت‌های زراعی و دامپروری دهقانان است. این بخش از فعالیت تولیدی، که کار زنان و کودکان است، جنبه تولید خانوادگی دارد و بر تولید افزارمندی مبتنی نیست. ازاین‌رو، بیشتر به مصرف خانوارهای روستایی می‌رسد و تنها مازاد آن به بازار عرضه می‌شود. نوع صنایع دستی و روستایی تابع محیط جغرافیایی و طبیعی است؛ زیرا این محیط است

اشتغال موجود را با آهنگی سریع‌تر از آنچه فرصت‌های اشتغال جدید بتوانند ایجاد شوند، نابود خواهد ساخت و فقیران را در وضعی مستأصل‌تر و بیچاره‌تر از گذشته باقی خواهد گذاشت. اگر قرار باشد که کمک مؤثری به کسانی شود که بیشترین نیاز را به آن دارند، آن فناوری مورد نیاز است که در حد فاصل تکنولوژی یک لیره‌ای و تکنولوژی ۱۰۰۰ لیره‌ای قرار داشته باشد. اجازه دهید- باز هم به‌طور نمادین- آن را یک فناوری ۱۰۰ لیره‌ای بخوانیم. چنین فناوری متوسطی بسیار بیشتر از فناوری بومی (که اغلب در حال زوال قرار دارد) بهره‌زا خواهد بود، و از طرف دیگر از فناوری پیچیده و بسیار سرمایه طلب صنعت جدید بسیار ارزان‌تر است. در چنین سطحی از سرمایه‌گذاری، تعداد بسیاری از فرصت‌های اشتغال می‌تواند در مدتی نسبتاً کوتاه به‌وجود آید و ایجاد این گونه فرصت‌های اشتغال می‌تواند «در دسترس» اقلیت بیشتری از سرمایه‌گذاران در محدوده ناحیه مربوط، نه تنها امکانات مالی، بلکه به لحاظ تحصیلات، شایستگی، قدرت سازماندهی و غیره قرار داشته باشد. پروفیسور گاجیل، رئیس مؤسسه سیاست و اقتصاد گوخال در پونا، سه روش ممکن را در زمینه توسعه تکنولوژی متوسط بدین شرح خلاصه کرده است. یک روش ممکن است این باشد که با تکنیک‌های موجود در صنعت رایج آغاز کنیم و از دانش تکنیک‌های پیشرفته برای تبدیل متناسب آن‌ها بهره بگیریم. منظور از تبدیل حفظ پاره‌ای از عناصر در تجهیزات، مهارت‌ها و رویه‌های موجود است... این فراگرد بهبود فناوری رایج به‌ویژه برای آن قسمت از این گذار بی‌نهایت مهم است که در آن یک عملکرد فوق‌العاده برای جلوگیری از بیکاری ناشی از تکنولوژی افزوده شده، ضروری به نظر می‌رسد... روش دیگر این است که از پایان پیشرفته‌ترین تکنولوژی آغاز کنیم و آن

که مواد اولیه صنایع را در اختیار مردم قرار می‌دهد. از سوی دیگر، توسعه صنایع دستی حرفه‌ای در مناطق مختلف کشور تحت تأثیر توزیع منطقه‌ای میزان بارندگی و مقدار آب منطقه قرار دارد. ازاین‌رو، هر کجا میزان بارندگی کم است، صنعت دستی حرفه‌ای در آن رواج بیشتری داشته است. درآمد روستائیان از محل صنایع دستی در همه جای ایران یکسان نیست، بلکه در برخی از مناطق کمتر و در جای دیگر بیشتر است. چنانچه در پاره‌ای از مناطق روستایی درآمد اصلی خانوارهای دهقانی تنها از قالیبافی یا پارچه‌بافی تأمین می‌شود و در مقابل، مناطق دیگری نیز وجود دارد که سهم درآمد حاصل از صنایع دستی آن‌ها در درآمد کل روستائیان ناچیز است. برخی از صنایع دستی رایج در ایران به دلیل نفوذ پول و بازار در مناطق روستایی و شرایط جامعه در حال گذار ایران، به تدریج وسعت، نقش و اهمیت خود را از دست داده‌اند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از قالی، گلیم، جاجیم، ورنی، زیلو، گیوه، سفال، سبد، جوراب، شال، گلابتون، پوستین، صابون، شمع، عرقچین و ... (تقوی، ن. ۱۳۸۱:ص:۱۰۰).

تعریف فناوری متوسط در توسعه روستایی

چنانچه سطح فناوری را به لحاظ «هزینه تجهیزات برای هر فرصت اشتغال» تعریف کنیم، می‌توان فناوری بومی یک کشور در حال توسعه نمونه را- به‌طور نمادین - فناوری یک لیره‌ای، و فناوری کشورهای توسعه‌یافته را فناوری هزار لیره‌ای خواند. شکاف بین این دو فناوری چنان عظیم است که انتقال از یکی به دیگری ناممکن است. درواقع، سعی جاری کشورهای در حال توسعه به وارد کردن فناوری ۱۰۰۰ لیره‌ای به داخل اقتصادشان لامحاله موجب انهدام برق‌آسای فناوری یک لیره‌ای خواهد شد. فرصت‌های

را چنان تطبیق دهیم و تعدیل کنیم که نیازمندی‌های فناوری متوسط را برآورده سازد... در پاره‌ای موارد، این فراگرد متضمن تعدیل فناوری به مقتضای اوضاع و احوال خاص محلی، مانند نوع سوخت یا نیروی موجود نیز خواهد بود. روش سوم ممکن است، انجام تجارب و تحقیقات در یک تلاش مستقیم به منظور استقرار فناوری متوسط باشد؛ ولی برای آنکه این تلاش به نحوی ثمربخش صورت بگیرد، ضروری است که برای دانشمند و فن‌ورز (Technician)، عوامل محدودکننده اقتصادی را مشخص کنیم. عوامل محدودکننده در اصل محدوده عملیاتی است که هدف برنامه است و نیز هزینه‌های تمام‌شده سرمایه و کار و میزان نیاز به آن‌ها در حد ممکن یا مطلوب است. چنین تلاش مستقیمی در راه استقرار فناوری از دانش فناوری پیشرفته در زمینه مربوط بهره خواهد گرفت، اما می‌تواند در مقایسه با تلاش از طریق روش تعدیل و تطبیق، دامنه بسیار وسیع‌تری را دربر گیرد (شوماخر، ای. اف. ۱۳۷۲. صص: ۱۴۷-۱۳۹).

دلایل نیاز به صنایع کوچک و فناوری متوسط در کشورهای در حال توسعه

گونامیردال می‌گوید که توسعه صنعتی و گسترش صنایع کوچک همراه با افزایش جمعیت افراد فعال و شاغل در حرفه‌های صنعتی نمودی از رشد درآمد ملی است. ای. اف. شوماخر در کتاب "کوچک زیباست" (Small is beautiful) توسعه صنایع کوچک را بهترین راه کاهش فاصله کشورهای شمال - جنوب (ثروتمند - فقیر، م.) می‌داند. شوماخر در تحلیلی دیگر اظهار می‌کند که دلیل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم، تأکید بیش از اندازه بر صنایع بزرگ و عظیم است. اگر چه صنعتی شدن یک راه نجات این کشورها از مدارهای توسعه نیافتگی محسوب می‌شود، اما مثل آنان

مانند فردی است که کفش‌های بزرگ به پا می‌کند و بعد از هر چند قدم کفش‌ها از پایش بیرون می‌آید. پس با حرکت به عقب برای ترمیم و تثبیت موقعیت خود می‌کوشد و این حرکت بارها تکرار می‌شود. بنابراین، این کشورها زمان بیشتری را از دست می‌دهند. از این‌رو، کفش‌های کوچک بهتر و زیباتر است (شوماخر، ای. اف. ۱۳۷۲. صص: ۱۶۴-۱۳۳). هاشمی، (۱۳۸۱. صص: ۴۵-۲) ویژگی‌های صنایع کوچک و دلایل توجه به آن‌ها را در کشورهای جهان سوم موارد زیر بیان می‌کند. ۱. صرفه‌جویی در مصرف سرمایه. ۲. اشتغالزایی فراوان. ۳. تأمین تعادل‌های اجتماعی و منطقه‌ای از طریق جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها. ۴. افزایش ارزش صادرات. ۵. وابستگی ناچیز به محصولات خارجی و صرفه‌جویی در استفاده از ارز خارجی. ۶. توسعه صنعت توریسم. ۷. درونزا کردن دانش فنی تولید. ۸. پر کردن حلقه‌های مفقود فرایند تولید. ۹. تسهیل در رقابت. ۱۰. تشویق فرهنگ سرمایه‌گذاری. ۱۱. پرورش مدیران، کارآفرینان و کارگران صنعتی. ۱۲. توجه به محیط زیست. ۱۳. کمک به توزیع عادلانه‌تر درآمد. ۱۴. خصوصی‌سازی. ۱۵. تسریع در زمان بهره‌برداری و توجه به هزینه فرصت سرمایه. ۱۶. معرفی فرهنگ غنی کشورها. در کل باید به این نکته توجه شود که از سرمایه‌ها و بودجه محدود کشور برای ایجاد فرصت‌های کاری هرچه بیشتری استفاده کرد و افراد بیکار بیشتری را به اشتغال و کار مولد واداشت تا هم به رشد افراد از طریق کار کمک شود و هم تولید و درآمد ملی بالا برود و هم معضلات ناشی از بیکاری در جامعه، مانند افزایش نرخ طلاق، بزهکاری‌ها و ... کاهش یابند.

کاری که کشوری مانند هندوستان بعد از استقلال انجام داد. این کشور تاکنون با ایجاد صنایع کوچک و

یادگیری عبارت است از کار یدی همراه با سایر زارعان و انجام کارهایی که دهقانان به آن مبادرت می‌ورزند. هر چند که این امر برای انسان‌شناسان اجتماعی چندان تازه نیست (هیوآ، ژ، و همکاران. ۱۳۷۷، صص: ۴۰-۲۳. چمبرز، ر. ۱۳۷۶. صص: ۱۳۱-۹۸).

اهمیت توسعه و گسترش فناوری مناسب در فرایند توسعه روستایی

اگر با دیدگانی باز به دنیا بنگریم می‌بینیم که تکنولوژی هدیه‌ای است خدایی که زندگی صلح‌آمیز ما را با همسایگان در این سیاره پر ازدحام ممکن می‌کند. شکل سازمانی ترویج و توسعه روستایی، به‌عنوان یک نهاد آموزشی، موظف به ایجاد ارتباط منسجم بین منابع علمی و پژوهشی از یک سوی و اعضای جوامع روستایی از سوی دیگر، به منظور ایجاد تحول در بینش و افزایش میزان معلومات و انتقال و اشاعه فناوری‌های مناسب در بین آنان است و این راهی برای دستیابی اقشار محروم جامعه، به‌ویژه در جهان در حال توسعه، به منظور استیلا بر حوزه‌های علوم و معارف و نیز بهره‌مندی از فناوری به‌عنوان یک موهبت الهی است. نقش ترویج در توسعه تکنولوژی را می‌توان موارد زیر دانست.

۱. انعکاس مسائل، مشکلات، خواسته‌ها و نیازهای روستایی به منابع علمی و پژوهشی ۲. انعکاس شرایط موجود و استعدادها و امکانات روستایی به منابع علمی و پژوهشی ۳. همکاری در ایجاد و تطبیق نوآوری‌ها با شرایط روستایی ۴. انتخابات و انتقال نوآوری‌های تکنولوژیک از منابع علمی و پژوهشی و اشاعه آنها در بین اعضای جوامع روستایی ۵. تدوین برنامه‌های آزمایشی و آموزشی و اجرایی برای

دستی و کارگر بر و کم هزینه و ساده، افراد را به‌کار مؤلد مشغول ساخته است و با موفقیت و جدیت آن را دنبال می‌کند. این کار می‌تواند الگویی بهینه برای کشور ما در مناطق شهری و به‌ویژه روستایی باشد.

دلایل نیاز به دانش و فناوری بومی در فرایند توسعه روستایی

برنامه‌های توسعه به‌دلیل اینکه بر اساس نوعی عقده برتری‌طلبی با کشاورزان خرده‌پا ارتباط برقرار کرده‌اند؛ لطمه خورده‌اند. ما متقاعد شده‌ایم که به‌طور مطلق فناوری جدید بر دانش کشاورزان خرده‌پا برتری دارد. از این رو ما تحقیقات و تلاش‌های کم‌کسانی خود را به گونه‌ای هدایت می‌کنیم که گویی ما همه چیز می‌دانیم و کسانی که ما برای آنها کار می‌کنیم هیچ چیز نمی‌دانند. یک مروج کشاورزی تانزانایی می‌گوید که «این به اصطلاح مصلحان برای دهقانان واقعاً زیاد حرف می‌زنند، اما هیچ علاقه‌ای ندارند که به سخن دهقانان گوش بدهند». علم امروزی با قدرتی که از لحاظ حیثیتی برای مصلحان توسعه می‌آفریند، سبب می‌شود تا دانش مردم روستایی خوار و حقیر شمرده شود. اولویت‌های تحقیقی در زمینه نوع محصول، دامداری و جنگلداری بازتابی است از جهت‌گیری در مقابل وقایع و اموری که برای مردم روستایی مطرح است. دانش روستائیان اغلب بر آنچه مصلحان توسعه تعلیم می‌دادند، برتری دارد. دانش روستائیان و دانش علمی جدید از نظر قدرت و ضعف مکمل یکدیگرند، به طوری که از ترکیب این دو می‌توان به توفیقاتی نایل آمد که هیچ کدام به تنهایی واجد آن نیستند. برای دستیابی به چنین موفقیت‌هایی لازم است تا مصلحان توسعه از برج عاج خود فرود آیند و به حرف‌های روستائیان گوش دهند و از آنان بیاموزند. برای بسیاری از مصلحان توسعه روستایی یکی از راه‌های

زمینه‌سازی پذیرش و نیز فراهم آوردن امکان و دسترسی و کاربست نوآوری‌ها ۶. انتقال نوآوری‌های پذیرفته‌شده از مجامع روستایی به منابع علمی و پژوهشی ۷. همکاری در مطالعه و بررسی تحولات ملازم و جانبی نوآوری‌های تکنولوژیک و مواردی از این قبیل. اشاعه فناوری مناسب توسعه کشاورزی و عمران روستایی بیشتر دستیابی به چهار هدف اصلی زیر را پیگیری می‌کند: ۱. افزایش توان مدیریت و کارایی مولدان روستایی ۲. افزایش کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی شاغل در بخش روستایی ۳. افزایش کیفیت عملکردهای تولید در روستاها ۴. افزایش کمیّت عملکردهای تولید بر حسب هر واحد عملیاتی. آثار مستقیم نیل به این اهداف به زبان اقتصادی منتهی به «هزینه کمتر و درآمد بیشتر» در دنیای رقابت‌های تولید در فعالیت‌های کشاورزی و روستایی می‌شود (شهبازی، ۱۳۸۱ صص: ۴۸۷-۴۶۹).

کارآفرینی و صنعت گردشگری

در باره کارآفرینی و فرد کارآفرین تعریف مشترکی که مورد اتفاق نظر همگان باشد وجود ندارد، اما می‌توان تعریف زیر را ارائه داد. کارآفرین کسی است که فرصت‌ها را تشخیص می‌دهد، منابع مورد نیاز را

جمع‌آوری می‌کند، طراحی و اجرای نقشه‌ای عملی را به‌عهده می‌گیرد و نتایج به‌دست آمده را به موقع و با روشی منعطف جمع‌آوری می‌کند. نوآوری و ابداع عمده‌ترین خصوصیت کارآفرینی است.

در تقسیم‌بندی منابع گردشگری، کارآفرینی جزء منابع کمیاب محسوب می‌شود و اغلب به اشتباه یکی از آثار گردشگری کارآفرینی یاد می‌شود، در صورتی که کارآفرینی مفهومی وسیع‌تر و حتی محرک صنعت گردشگری است و بر آن تاثیر می‌گذارد. تا آنجا که در آیین‌نامه جهانی اخلاقیات در گردشگری ۱۰ اصل بیان شده است که در اصل دهم آن بر رعایت حقوق کارآفرینان و کارگران در این صنعت و بر دسترسی رایگان کارآفرینان و سرمایه‌گذاران (به‌خصوص در زمینه بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط) به بخش گردشگری با محدودیت‌های اجرایی یا حقوقی اندک تأکید شده است.

مزایای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی ناشی از وجود کارآفرینی پایدار در صنعت گردشگری به قرار زیرند. صرف‌نظر از تمامی مزایای عنوان‌شده برای صنعت گردشگری و نقش با اهمیت آن در توسعه و پیشرفت جوامع، این صنعت با چالش‌ها و تنگناهای بسیاری روبروست.

مزایای اقتصادی	مزایای فرهنگی - اجتماعی	مزایای محیطی
۱. افزایش اشتغال و ایجاد آن ۲. افزایش تعداد بنگاه‌های اقتصادی در زمینه گردشگری	۱. تقویت فرهنگ و هویت ملی و محلی ۲. بهبود کیفیت زندگی ۳. حفاظت و نگهداری از میراث فرهنگی و تاریخی	۱. ارتقا و توسعه پایدار گردشگری ۲. حفاظت و نگهداری از میراث طبیعی و حفظ محیط زیست ۳. مدیریت پایدار زمین (سرزمین)

مزایای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی ناشی از وجود کارآفرینی پایدار در صنعت گردشگری

مددکاران کشاورزی استان خراسان جنوبی هستند به نقش بسیار مهم و اساسی که ایجاد و گسترش صنایع دستی و فناوری های متوسط در توسعه توریسم و اشتغال پایدار در روستاهای خراسان جنوبی و ایران می تواند داشته باشد، تأکید می کنند. صنعت گردشگری که مطابق اظهارات سازمان جهانی گردشگری از لحاظ انتقالات پول خارجی جایگزین نفت شده است در ایران دارای ظرفیت های فراوانی است؛ زیرا که ایران از سیزده اقلیم شناسایی شده در جهان دارای یازده اقلیم است. علاوه بر این داشتن رتبه دهم از لحاظ وجود آثار تاریخی و فرهنگی، رتبه پنجم از لحاظ صنایع دستی در جهان نیز از دیگر مزیت ها و ظرفیت های این صنعت در ایران است که می تواند به وسیله کارآفرینان مورد توجه و بهره برداری قرار بگیرد. با توجه به آمارها و شواهد، فرصت های ناشناخته فراوانی در صنعت گردشگری که در روستاهای ایران وجود دارد و از آنجا که صنعت گردشگری یک صنعت پویاست و نیازمند عرضه خدمات متنوع و گوناگون است، کارآفرینان می توانند با ایده های نو و کارآفرینانه ضمن بهره برداری از مزیت ها و ظرفیت های ناشناخته و بالقوه در روستاهای ایران، باعث رونق در صنعت گردشگری و توسعه روستاهای ایران شوند. علل کم توسعه روستاها در ایران عبارتند از جوان بودن جمعیت روستاها، وضع بد بهداشتی آنها، پایین بودن میزان درآمد، وضع نامناسب تغذیه، پایین بودن میزان سواد و راهکارهای دستیابی به توسعه روستایی عبارت است از بررسی علل و عوامل مؤثر در عقب ماندگی و کم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محیط روستایی و همچنین تعیین انگیزه ها در زمینه های ایجادکننده توسعه و جلب مشارکت مردم روستایی در عمران محیط خود. برخی از هدف های توسعه روستایی عبارت است از آگاه سازی

۱. گردشگری نیز مانند سایر فعالیت ها طبق نظریه کرت لویت، دارای چرخه حیاتی است که شامل پنج مرحله معرفی، رشد، بلوغ، اشباع و نزول است.

۲. طبق پیش بینی های سازمان جهانی گردشگری همزمان با بحران جهانی اقتصادی و افزایش تورم در جهان، تعداد گردشگران بین المللی به مرور کاهش خواهد یافت.

از طرفی چالش هایی همچون مصیبت های طبیعی مثل طوفان، سیل، زلزله، تکرار وقایع تروریستی، تنش های سیاسی و آشفتگی ها و ناآرامی های اجتماعی نیز بر این صنعت تاثیر می گذارد.

نتیجه

تمام خراسان جنوبی و قسمت وسیعی از ایران (حدود هشتاد درصد وسعت ایران) اقلیم و آب و هوای خشک و کویری دارد. این امر گویای این موضوع مهم است که برای دستیابی به اشتغال و توسعه پایدار در روستاهای این مناطق - ظرفیت بخش کشاورزی محدود است و می باید به دنبال گزینه های دیگری برای ایجاد کار و درآمد برای روستائیان بود. تجارب کشورهای موفق همگی مؤید این نکته مهم هستند که ایجاد و گسترش صنایع دستی و فناوری متوسط و توسعه توریسم سهم مهمی - حتی بالاتر از سهم کنونی بخش کشاورزی این کشورها - می تواند در ایجاد کار و درآمد برای روستائیان داشته باشد. نتایج این پژوهش نشان می دهد که تمام جامعه آماری این تحقیق که شامل تعاونی ها، اعضای آنها، مدیران، کارشناسان و کارمندان شرکت های تعاونی روستایی و کشاورزی و کارشناسان ادارات جهاد کشاورزی اداره جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی و سازمان تعاونی استان خراسان جنوبی (به دلیل ارتباط کاری آنها با تعاونی ها) و همین طور کشاورزان نخبه و

روستائیان، جلب مشارکت آنان، ایجاد هماهنگی و همیاری در جامعه روستایی، توسعه و بهبود مدیریت روستایی و ایجاد نظارت اجتماعی به وسیله آنان (تقوی، ۱۳۸۱، صص: ۱۸۵-۱۸۳). ضروری است که دست کم بخش مهمی از تلاش‌های عمرانی در شهرهای بزرگ انجام نشود و مستقیماً به ایجاد یک «ساخت کشاورزی - صنعتی» در نواحی روستایی و شهرهای کوچک تعلق بگیرد. گفتنی است که نیاز اصلی، فرصت‌های اشتغال هستند؛ یعنی میلیون‌ها فرصت اشتغال. هیچ‌کس البته بر این نظر نیست که کارآیی متوسط فرد فاقد اهمیت است؛ ولی توجه اصلی نباید به حداکثر ساختن کارآیی متوسط معطوف شود، بلکه باید بر موضوع ایجاد فرصت‌ها برای افراد بیکار و نیمه‌بیکار متمرکز شود. برای یک فرد بینوا فرصت کار کردن بزرگ‌ترین نیاز است، حتی کار با دستمزد کم و نسبتاً نامولد بهتر از بیکاری و بیهودگی مطلق است. به قول گابریل آردنت (Mr. Gabriel Ardant): «اشتغال عمومی مقدم بر کمال کاری است». فناوری موجود در جهان سوم و تزریق شکلی از آن در بخش روستایی یک فناوری نامناسب بوده که فرهنگ مادی و معنوی این جوامع را به مخاطره انداخته است. دست‌اندرکاران سیاسی و متخصصان جهان پیرامونی باید آگاه باشند که دوباره فناوری «مناسب غربی» جانشین فناوری موجود نشود. بنابراین، باید سعی شود تا مختصات فناوری مناسب برای هر کشور پیرامونی توسط نظام ارزشی آن جامعه خاص تعیین شود تا راهنمای متخصصان و سازندگان فناوری مناسب روستایی باشد، اما این فناوری روستایی می‌تواند یک مختصات عمومی داشته باشد، کوچک، نامتمرکز، صرفه‌جو، منبع محلی و تجدیدپذیر باشد. این فناوری، مناسب بوده؛ زیرا آثار مخرب ندارد. این فناوری کار با معنا ایجاد می‌کند، هدف آن عرضه احتیاجات اولیه مردم است، باعث خودکفایی جامعه می‌شود و به لحاظ محیطی

یک محیط قابل تحمل با کیفیت بالای زندگی ایجاد می‌کند (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۹، صص: ۱۱۰-۸۰).

فناوری مناسب نه تنها باید پاسخی در ارتباط با خواست‌ها و نیازهای محسوس روستائیان باشد، بلکه در عین حال باید حاصل تفحصات و تبعات و یا تطبیقات علمی و تحقیقی پژوهندگان و متخصصان داخلی همان کشور باشد. بنابراین، لازم است تا ۱. مبتنی بر گسترش مرزهای دانش و توسعه بینش پژوهشی در آن جامعه باشد ۲. سازگار با فرهنگ در حال تحول جامعه بهره‌برداران باشد ۳. انطباق‌پذیر با شرایط طبیعی - اقلیمی محیط بهره‌برداران باشد ۴. متناسب با شرایط اقتصادی عامه روستائیان باشد ۵. هماهنگ با امکانات و توان‌های فنی و استعداد فراگیری بهره‌برداران و سرانجام به‌عنوان ابزاری مشروع و مطلوب ۶. در خدمت تعالی فرهنگ جامعه متحول بهره‌برداران از آن فناوری‌ها باشد (شهبازی، ۱۳۸۱، صص: ۴۸۶-۴۸۵). در کل می‌توان با انتقال و توسعه فناوری‌های مناسب در مناطق روستایی با کارآفرینی، زمینه‌های فقرزدایی و توسعه روستایی را در ایران فراهم آورد و با رشد درآمد روستائیان و بهبود شاخص‌های زندگی آنان از مهاجرت آنان به شهر جلوگیری کرد و از شدت و گسترش بیکاری‌های پنهان و آشکار در مناطق شهری و روستایی کاست و در نهایت موجبات توسعه انسانی را در جامعه فراهم کرد.

در این زمینه باید تحولات، نیازها و خواسته‌های جوامع محلی، ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار بگیرند و بر آن اساس اقدامات لازم را انجام داد. برای دستیابی به این هدف، توجه به تجارب کشورهای موفق همچون هندوستان و به‌ویژه چین در انتقال صنایع کوچک و بخش‌هایی از صنایع بزرگ (که به زیرساخت‌ها و مهارت‌های زیاد احتیاج ندارند) به

مناطق روستایی اشاره داشت و از آن‌ها استفاده بهینه را کرد.

باتوجه به اهمیت و نقش چشمگیر صنعت گردشگری در توسعه و تحول اقتصادی در جوامع میزبان و وجود توانمندی‌های بالقوه فراوان در ایران برای توسعه این صنعت و بهره‌مندی از پیامدهای آن، نقش کارآفرینان در به فعل رساندن این توانمندی‌ها و بهره‌برداری از آن حائز اهمیت است.

کارآفرینان می‌توانند با شناسایی فرصت‌های بکر و ناشناخته موجود در مجموعه فعالیت‌های مرتبط با صنعت گردشگری در سطح استان، اعم از حمل و نقل، اسکان و اقامت، تبلیغات و بازاریابی و غیره با طرح و اجرای ایده‌های بدیع در قالب کسب و کارهای کوچک ضمن ایجاد اشتغال مولد و پایدار برای خود و دیگران کمک مؤثری به رونق صنعت گردشگری و درنهایت به توسعه پایدار منطقه‌ای در کشور ایران بکنند. در این زمینه، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شوند: ۱. سرمایه‌گذاری و توسعه فرهنگ کارآفرینانه در کشور ۲. ایجاد تسهیلات برای راه‌اندازی SMEs ها از محل تسهیلات بنگاه‌های زودبازده در صنعت گردشگری، ۳. توسعه نقش بخش عمومی و خصوصی با ارائه ایده‌های کارآفرینانه در صنعت گردشگری، ۴. آموزش‌های بدیع، نو و کارآفرینانه نیروهای مشغول به کار در عرصه صنعت گردشگری و ۵. تأکید بر کارآفرینی پایدار در توسعه صنعت گردشگری.

منابع

- بخشی‌زاده، ح؛ بررسی امکان برنامه‌ریزی گردشگری روستایی در روستاهای شهرستان اردبیل (مورد مطالعه: روستای وکیل‌آباد «سردابه»)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۷.
- پاپلی یزدی، م؛ سقایی، م؛ گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، سمت، تهران، ۱۳۸۵.
- تقوی‌ن؛ جامعه‌شناسی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۱.
- حیدری چپانه، ر؛ ارزیابی برنامه‌ریزی صنعت توریسم در ایران، پایان‌نامه دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی، ۱۳۸۳.
- برگزاری میراث فرهنگی، «آمار گردشگران در پایان سال ۲۰۰۵»
- www.chn.ir/news/?section=1&id=2028، ۱۳۸۵.
- دیاس، ه؛ و ویکرامانایاک، ب؛ درسنامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران، ۱۳۷۷.
- رضوانی، م؛ و صفایی، ج؛ «گردشگری خانه‌های دوم و آثار آن بر نواحی روستایی: فرصت یا تهدید (مورد: نواحی روستایی شمال تهران)»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۴، ۱۳۸۴.
- سازمان جهانی گردشگری (برنامه‌ریزی توریسم در سطح ملی و منطقه‌ای، محمود عبدالله‌زاده، تهران: پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- طالب، م؛ مدیریت روستایی در ایران، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۶.
- فنل، د؛ مقدمه‌ای بر طبیعت‌گردی، جعفر اولادی قادی‌کلایی، دانشگاه مازندران، ساری، ۱۳۸۵.
- لانکووار، ر؛ جامعه‌شناسی جهانگردی و مسافرت، صلاح‌الدین محلاتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۱.
- منشی‌زاده، ر؛ اندر مقوله گردشگری، پیام مؤلف، تهران، ۱۳۸۴.
- توسلی، غ؛ جامعه‌شناسی کار و شغل تهران، (سمت)، ۱۳۷۵.

- از کیا، مصطفی؛ جامعه‌شناسی توسعه، چاپ ۲، تهران، کلمه، ۱۳۷۹.
- از کیا، مصطفی؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، چاپ ۲، اطلاعات، ۱۳۷۰.

- Fleischer, Aliza and Tchetchik, Anat, "Does rural tourism benefit from agriculture?", *Tourism Management*, Vol.26, No.4:493-501, 2005.
- Heneghan, Maria, *Structures and processes in Rural Tourism*, Athenry: Rural Development Centre, 2002.
- Lane, Bernard, "Sustainable rural tourism strategies: a tool for development and conservation", *Journal of Sustainable Tourism*. Vol12, Nos.1&2. :12-18, 1994.
- Neidig, Adam H, *Rural Leaders' perception of Tourism Development in san Juan County ,Utah :A Case Study*. Unpublished M.S.Thesis in Recreation Resources Management. Logan:Utah State University, 2006.
- Sonnino, Roberta, for a "piece of Bread"? *Interpreting Sustainable Development Through Agritourism in Southern Tuscany, Italy*, Unpublished ph.D. Dissertation, Kansas: University of Kansas, Department of Anthropology, 2003 .
- Wang, Yang, *Rural Community participation in Tourism Development: Cases from Hainan province, China*, Unpublished ph.D.Dissertation. Waterloo (Ontario): University of Waterloo, 2006.
- Yu, Hsiang-Te, *Rural Tourism in Taiwan: Motivation, Expectations, and Satisfaction*, Unpublished ph.D, Dissertation. San Antonio (Texas): University of the Incarnate Word, 2004.
- چمبرز، ر؛ توسعه روستایی اولویت‌بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب‌پذیر)، مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- چمبرز، رابرت؛ چالش با حرفه‌ها. خرمالی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۸۱.
- چیتامبار، جی. بی. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی چاپ ۲، احمد حجاران و مصطفی ازکیا، نی، تهران ۱۳۷۸.
- شوماخر، ای. اف؛ کوچک زیبست: اقتصاد با ابعاد انسانی، چاپ ۳، سروش، تهران، ۱۳۷۲.
- شهبازی، ا؛ توسعه و ترویج روستایی، چاپ ۳، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- طاهر خانی، م؛ صنعتی شدن روستا- سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران، ۱۳۷۹.
- کرمی، ع؛ فناپی، ا؛ بررسی نظریه‌پردازی‌ها در ترویج کشاورزی، ج ۱، وزارت جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۷۳.
- گل محمدی، ف؛ انتقال فناوری مناسب در روستا در ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی "جهاد"، شماره ۲۶۲ /سال ۲۴ /فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳.
- لهسایی‌زاده، ع؛ جامعه‌شناسی توسعه روستایی، زر، شیراز، ۱۳۷۹.
- لهسایی‌زاده، ع؛ مشارکت به‌عنوان یک روش علمی توسعه در کشورهای پیرامون،
- در: مجموعه مقالات کنفرانس مشارکت، تهران، ۱۳۶۵. جهاد سازندگی،
- هاشمی، ف؛ بررسی روند اشتغالزایی صنایع کوچک در ایران، مجموعه مقاله‌های ارائه‌شده در همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال، ۲۴ آبان ۱۳۸۰، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، واحد رودهن، ۱۳۸۱.
- هیوآ، ژ، دویرولسکی، ک. چمبرز، ر. و ... مسائل جامعه‌شناسی روستایی، ساخت‌های اجتماعی جوامع روستایی، چاپ ۳، ویرایش اول، مصطفی ازکیا، محمد مهاجر ایروانی، علی‌اکبر نیک‌خلق، روز بهان، تهران، ۱۳۷۷.
- E. و C. ، Cnuta و Liedholm. صنایع کوچک روستایی: شواهد تجربی و موضوعات مربوطه به سیاست‌گذاری، توسعه کشاورزی در جهان سوم، کریم درویشی و دیگران، وزارت کشاورزی، تهران، ۱۳۷۰.